



۲۰۱۶/۰۴/۲۹



حمید انوری

## حماسه ای در بطن یک فاجعه

و  
نیم نگاهی بر جفنگ پراگنی های "نذیر تنویر"



"خبر مرگ ناهید جوانمرگ به زودی سراسر شهر را فرا گرفت. جنایتکاران خلقی و پرچمی اجساد خون آلود جوانان معترض را با شتاب به جایی نامعلومی منتقل نمودند، در حالیکه صدها و شاید هزاران جوان دیگر را رمه وار در وسایط نظامی بار نموده به بازداشتگاه ها و زندانهای مخوف انتقال دادند، اما بیخبر از آنکه ۹ ثور دیگر در تاریخ معاصر کشور به مثابه روز مقاومت مسالمت آمیز جوانان رقم خورده و تا ابد جاودانه خواهد ماند. پدرم نظر به شناسایی که با والی کابل داشت دریافت که جسد بیجان ناهید در شفاخانه چهارصد بستر زندانی است. آری زندانی، زیرا اجازه دیدن و تسلیمی آن را نداشتیم. بالاخره با وساطت والی وقت فقط هشت تن از اعضای خانواده شامل مادرش اجازه یافتند تا در نیمه شب با شهید نامراد شان وداع نموده و او را با لباس خون آلودش در دل شب به خاک سپارند. آنچه هیچگاه فراموشم نمی شود زخم سر ناهید شهید بود که گلوله قسمت بالایی کاسه سرش را از هم جدا نموده بود و از آن همچنان خون جریان داشت." (گزارش صادق مصدق خبرنگار آزاد، به یاد بود شهدای نهم ثور ۱۳۵۹، از قول یکی از اعضای خانواده ناهید صاعد که در آن زمان متعلم صنف دوازدهم لیسه امانی بود.)

چه با شکوه حماسه ای بود و چه جانباز فرزندان. فرزندان شیر پاک خورده و اصیل، مرز و بوم حماسه آفرین، کهن دیار غرور آفرین. سرزمینی که در طول تاریخ چندین هزار ساله خویش، به زور همیشه **نه!** گفته است. سرزمین آزاد مردان و قامت افراشته زنانی که با خون و جان شان و با سر و مال شان از وجب و جب خاک پاک کشور محبوب شان با شهامت بی نظیر و بی مثل و مانندی دفاع نموده اند.

در چنین سرزمینی که آنرا افغانستان نام است و این نام پاک، افتخار هر باشنده سرافراز آنست، دختران و پسران شیرپاک خورده مکاتب کابل در یک روز آفتابی حماسه ای آفریدند که کرملین نشینان و نوکران بومی شانرا به وحشت اندر نمود و تب لرزه مرگ را بر آنان مستولی ساخت.

صحبت از حماسه نهم ثور ۱۳۵۹ است. حماسه غرور آفرینی که در بطن یک فاجعه خونین، سر بر افراشت و در اوج خود به خاک و خون کشیده شد.

هنوز از تجاوز عریان و بی شرمانه اردوی سرخ روسی بر سرزمین مقدس ما چندی نگذشته بود که شاگردان مکاتب کابل، مکاتب دختران و پسران همه، مکاتب خود را ترک نموده و به سرک ها و کوچه ها و خیابان ها برآمدند و شعار "روس ها از ملک ما بیرون شوید" را سر دادند و با دستان خالی و لباس و یونیفورم مکتب به سوی سفارت شوروی یا لانه جاسوسی تجاوزگران روسی به مارش منظم و یک دست پرداختند و عده ای هم بصوب پوهنتون کابل روانه شدند تا محصلین پوهنتون و دارالمعلمین کابل را با خود همراه سازند.

شاگردان مکاتب کابل چون به ایسه عالی حبیبیه رسیدند، آنان نیز به صف حماسه سازان پیوستند، اما عسکر و پولیس و قوای امنیتی و جاسوسان "اگسا" راه را بر آنها بستند و از راهپیمائی آنان به صوب لانه جاسوسی ارباب جلوگیری نمودند.

در جهت دیگر محصلین و محصلات پوهنتون کابل و دارالمعلمین عالی نیز حمایت خود را از حماسه سازان ابراز داشته و به صفوف آنان پیوستند.

حماسه در راه بود و تجاوزگران برخود می لرزیدند، میهن فروشان رنگ بر چهره نداشتند و "انقلاب ظفر نمون" ی در حال از هم پاشیدن بود. و چنان بود که در نخستین قدم مشاورین بی حساب ملکی و نظامی روسی و جاسوسان (کی. جی. بی.)، به سرعت برق سوار زرهپوش ها گردیده و خود را به لانه جاسوسی شان رسانیدند و از آتش خشم شاگردان و محصلین کابل فرار کردند. در قدم دوم تمام جاده های منتهی به مرکز شهر و "خانه خلق" و سفارت شوروی، به وسیله زرهپوش ها و تانک های رژیمن دست نشانده مسدود گردیده و در هر کنج و کمری و در زیر هر بوته و درخت و خس و خاری، چندین تن از جاسوسان "اگسا" سنگر گرفته و بر روی شاگردان و محصلین آزاده و بر روی حماسه سازان سرافراز کابل، آتش گشودند و خون پاک حماسه سازان ریختن گرفت و لکه ننگ دیگری بر رخ سیه میهن فروشان خلقی و پرچمی حک شد.

و اما حماسه سازان دلیر میدان را رها نکردند و همچنان شعار های "**مرگ بر ببرک**" و "**مرگ بر تجاوزگران روسی**" و "**روس ها از ملک ما بیرون شوید**" و..... را فریاد می کشیدند و زخمی های خود را از میدان نبرد فاجعه و حماسه، بیرون می کشیدند. هر قد رسا و هر رخ زیبایی که در خون خویش می غلتید، بلافاصله جای او را ده ها قامت رسا و رخ زیبای دیگر می گرفت و رژیمن کودتا مرگ خود را با چشمان از حدقه برآمده

به تماشا نشسته بود و تا می توانست خون ریخت و کوچه ها و خیابان های شهر را خون فرزندان صدیق آن رنگین کرده بود، اما حماسه سازان بیدی نبودند که به این باد ها بلرزند و میدان خالی کنند. کودتاچیان که انتظار چنان حماسه را نداشتند، از ترس مرگ دست به دامان اربابان روسی خود بردند و طیارات جنگی روسی با فاصله اندکی از سطح زمین به پرواز درآمدند و غرش طیارات جنگی، فریاد "مرگ بر ببرک" و "مرگ بر تجاوزگران روسی" را در خود پیچید، مگر حماسه سازان نهم ثور همچنان فریاد می کشیدند و با دستان خالی به سوی عساکر و قوای امنیتی و جاسوسان رژیم که تا دندان مسلح بودند، یورش بردند و....

طیارات جنگی روسی همچنان آسمان کابل را در می نوردیدند که هلیکوپتر های توپدار روسی در آسمان آبی کابل نمایان شدند و بر حماسه سازان آتشباری نمودند و حماسه ای را که در بطن فاجعه هفتم ثور قد برافراشته بود، به خاک و خون کشیدند. هرسو می نگریستی، قامت رسایی و رخ زیبایی بر زمین افتاد بود و درخون خود می تپید.

هر گوشه و هر بیشه ای و هر کوچه و خیابانی به حمام خون مبدل گردیده بود و حماسه غرور انگیز و افتخار آفرین نهم ثور با خشونت ددمنشانه ای سرکوب شده بود و یک مشت وطن فروش خلقی و پرچمی به جاده ها ریخته عده بیشماری از حماسه سازان را دستگیر نموده و به زندانها و دخمه های وحشتناک تحقیق بردند و زخمی ها و شهدای آن حماسه بی بدیل را نیز باخود بردند و علایم و نشانه های جنایت را نابود کردند. بلی هموطن! یک حماسه در بطن یک فاجعه متولد گردید و در همان روز به جاودانگی پیوست و یک مشت ارازل هفتم ثوری، طومار جنایات خود را با خون پاک حماسه سازان نهم ثور طویل تر ساختند، غافل از آنکه آفتاب را نمی توان با دو انگشت پنهان نمود و با درهم کوبیدن یک حماسه، آنرا از خاطر مردم زدود. با تأسف و تأثر عمیق که از آن حماسه سازان دلیر و بی باک که با خون های پاک شان تاریخ حماسه آفرین سرزمین ما را نوشتند، جز "ناهید شهید" و "وجهیه شهید"، اسم بقیه شهدای حماسه غرور آفرین نهم ثور را جلادان خون آشام خلقی و پرچمی، پرده افگندند و فامیل ها و اقارب سرافراز آن شهدای پاک، نام های آن نام آوران را بیرون ندادند. یاد شان گرامی باد!!!

باید قاطعانه و با مسؤلیت متذکر شد و یادآوری کرد که حماسه نهم ثور، کاملاً یک قیام، یک مقاومت، یک اعتراض و یک حماسه خودجوش بود که از احساسات پاک آزادیخواهانه و وطن دوستانه دختران و پسران مکاتب کابل سرچشمه گرفته بود و هیچ "حزب"، سازمان، اتحادیه، گروه و دسته ای در راه اندازی آن هیچگونه نقشی نداشت.

و اما چه زبونا نه و سخیف است که در آن زمان رژیم کودتا سخت تلاش کرد تا آن حماسه خودجوش و مردمی را تاپه های مضحک زده و به این و آن نسبت دهد و بعدها همان تقاله های متعفن را یکی دیگر در پشاور نشخوار کرد، عکس های "ناهید شهید" را دستکاری کرده، چادر بزرگی بر سر عکس آن شهید سرفراز رسامی کردند و در نشریات تهوع آور خود آنرا منتشر ساختند و تلاش های بیهوده به راه انداختن تا آن شهید را مربوط به حزبک فروخته شده ای به نام "حزب اسلامی گلبدین" قلمداد کنند.

و اما امروز فرد دیگری از همان حزبک منحل و تروریستی، همان حزبکی که کابل را با راکت های کور تحفه بادران پاکستانی اش به یک ویرانه غم انگیز مبدل کرد و خون بیش از ۶۵۰۰۰ از هموطنان بی گناه و

بی دفاع ما را تنها و تنها در کابل بر زمین ریخت (اگر تمام جنایات حزب اسلامی گلبدین راکتیار را یک یک برشماریم، مثنوی هفتاد من کاغذ خواهد شد)، فردی از همان حزب تروریستی به نام "نذیر تنویر" همان تقاله های متعفن را بار دگر نشخوار کرده و مذبوحانه تلاش میکند تا آن قیام بزرگ و آن حماسه سترگ را تاپه حزبی بزند و.... ننگ تان باد!!! دروغی بگوئید که اندکی با راست برابر باشد.

جالب اینجاست که همین فرد دروغ پرداز و جفنگ گو در نوشته مورد نظر ما، زیر عنوان "ناهد شهید در لابلای خاطرات از یاد رفته" از قهرمانی ها و کارروائی های خود و برادران حزبی خود در آن حماسه داد سخن داده است که همه سراپا دروغ، جفنگ و خیال پردازی ای بیش نیست، جالب تر اینکه در همان خیالپردازی های فلمی خود هم، هربار فرار را بر قرار ترجیح داده است و بام به بام، خانه به خانه و کوچه به کوچه چنان نامردانه فرار کرده است که نظیر آن را فقط میتوان در همان حزب تروریستی او شاهد بود. ننگ تان باد!!!

جالب تر اینکه همین فرد مورد نظر در دروغ گوئی و چرند پراگنی تا جایی پیش میرود و اغراق میکند که ادعای مضحک و خنده داری را نشخوار میکند و آن هم اینکه مدعی می شود شاگردان مکاتب شعار میدادند:

**"ما به هیچ چیزی کمتر از جمهوری اسلامی قانع نیستیم!"**

در آن حماسه خود جوش، در هیچ مقطع و هیچ کوچه و خیابانی، هیچ حماسه سازی چنین شعار من درآوردی را هرگز به زبان نیاورده است، هرچه شعار بود و فریاد بود و فغان بود فقط به این خلاصه می شد که: "مرگ بر ببرک"، "روسها از مُلک ما بیرون شوید" و "مرگ بر تجاوزگران روسی". **"ما به این قانع می شویم و به آن قانع نمی شویم"**، یک دروغ شاخدار است و هرگز حقیقت ندارد، اما از "نذیر تنویر" ها و امثال شان نمی توان گله داشت، خمیر آنان با دروغ و فریب، ریا و توطئه مشتم شده است.

**یاد به خون خفتگان حماسه خود جوش نهم ثور ۱۳۵۹ کابل گرامی باد!!!**